

Sociological study of the factors affecting the phenomenon of petty theft in the city of Hamadan¹

Ayatollah Fathi², Saeed Sharifi Rahnemo³, Majid Sharifi Rahnemo⁴, Soheila Hosseinpour⁵

Received: 23, August, 2021

Accepted: 11, December, 2021

Abstract

Background and objective: The phenomenon of theft as a criminal act is one of the major problems of human societies, among which petty theft has a significant frequency compared to other thefts. The police have always been looking for a way to identify the social factors of committing theft and provide a targeted solution to combat it. Therefore, the present study was conducted to identify the factors affecting the phenomenon of petty theft in the city of Hamadan.

Methods: In this research, a descriptive survey method has been used. The statistical population of this study includes thieves arrested by the Criminal Investigations Police of Hamadan Law Enforcement Command, who were selected through available sampling and a total of 76 individuals were selected as a sample. The data collection tool is a researcher-made questionnaire. Descriptive and inferential statistical indicators have been used to analyze the data.

Findings: Findings showed the most important factors affecting theft are physical disorder, social control, relationship with delinquents, religiosity and anomie. Thus, the mean of physical disorder and social control based on the data was not significant, and according to the comparison of the means, it was found that the mentioned variables were not enough to prevent theft by thieves. But the results of the variables of the relationship with delinquents and the degree of religiosity are significant.

Results: Understanding the reasons for committing theft in the first place helps to prevent theft and in the second place, by providing a set of education and social awareness and proper urban planning and design based on the results of physical disorder and social control, lead to the incapacitation of crime centers and make the police actions effective.

Keywords: Sociological factors, Petty theft, Hamedan.

1. This research has been financially and spiritually granted by the Applied Research Office of Hamadan Province Command.

2. Research Assistant Professor in I. R. I. Institute of Law Enforcement and Social Studies. Email: a.fathi64@gmail.com

3. PhD Candidate in Curriculum Studies, Bu Ali Sina University (Corresponding Author). Email: rahnmo.70sh@gmail.com

4. PhD Candidate in Curriculum Studies, Allameh Tabatabai University. Email: m.sharifirahnmo.70@gmail.com

5. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran. Email: shosainpour2014@gmail.com

فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیست و سوم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰

صص ۵۳-۸۱

بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر پدیده سرقت‌های خرد در شهر همدان^۱

آیت‌اله فتاحی^۲، سعید شریفی رهنمو^۳، مجید شریفی رهنمو^۴، سهیلا حسین پور^۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰

چکیده

زمینه و هدف: پدیده سرقت به‌عنوان یک عمل مجرمانه یکی از معضلات عمده جوامع بشری است که در این میان سرقت‌های خرد در مقایسه با سایر سرقت‌ها دارای فراوانی قابل توجهی است. پلیس نیز همواره به دنبال راهی بوده تا با شناخت عوامل اجتماعی ارتکاب به سرقت، راهکار هدفمندی جهت مقابله با آن ارائه کند. از این رو پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر پدیده سرقت خرد در شهر همدان انجام پذیرفته است.

روش: در این پژوهش، از روش توصیفی از نوع پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، شامل سارقان دستگیر شده توسط پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان همدان هستند که از طریق نمونه‌گیری در دسترس و کل شماری همه ۷۶ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه محقق‌ساخته است. برای تحلیل داده‌ها نیز از شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است.

یافته‌ها و نتایج: یافته‌ها نشان داد مهم‌ترین عوامل مؤثر بر سرقت؛ بی‌نظمی فیزیکی، کنترل اجتماعی، همنشینی با افراد خلافکار، دین‌داری و آنومی (بی‌هنجاری) هستند. بدین صورت که میانگین بی‌نظمی فیزیکی و کنترل اجتماعی براساس داده‌ها معنی‌دار نیست و با توجه به مقایسه میانگین مشخص شد متغیرهای مذکور به اندازه‌ای نبوده که مانع از سرقت سارقان باشد. اما نتایج متغیرهای همنشینی با افراد خلافکار و میزان دینداری معنی‌دار است.

نتیجه‌گیری: شناخت دلایل ارتکاب سرقت در وهله اول به پیشگیری از سرقت کمک کرده و در وهله دوم، با ارائه مجموعه آموزش‌ها و آگاهی‌سازی اجتماعی و برنامه‌ریزی و طراحی صحیح شهری براساس نتایج بی‌نظمی فیزیکی و کنترل اجتماعی، موجب منفعل‌سازی کانون‌های جرم‌خیز شده و اقدامات پلیس را مؤثر می‌کند.

واژگان کلیدی: عوامل جامعه‌شناختی، سرقت خرد، همدان.

۱. این پژوهش توسط دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی استان همدان حمایت مالی و معنوی شده است.

۲. استادیار پژوهشی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا. a.fathi64@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری مطالعات برنامه‌درسی، دانشگاه بوعلی سینا. (نویسنده مسئول)

rahnmo.70sh@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری مطالعات برنامه‌درسی، دانشگاه علامه طباطبایی.

m.sharifirahnmo.70@gmail.com

۵. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

shosainpour2014@gmail.com

مقدمه

یکی از مسائل بسیار مهم جوامع امروزی تأمین امنیت برای شهروندان است (شجاعیان و رحیم‌پور، ۱۳۹۹: ۶۰). این مسئله به حدی مهم و جدی است که در کنار رکن اساسی دیگر یعنی سلامتی قرار می‌گیرد. بنابراین یکی از متداول‌ترین شیوه‌های تأمین امنیت در جوامع جهان سوم استفاده از عوامل قهرآمیز بوده ولی به تجربه ثابت شده است به‌رغم سریع الوصول بودن امنیت از این نوع، پایداری و دوام آن بسیار کم و ناچیز است. چراکه با گسترش شهرنشینی و ازدیاد روزافزون جمعیت، این نوع رویکرد چندان جوابگو نخواهد بود (بیات، ۱۳۹۴: ۶۱). زیرا با پیشرفت سریع جوامع در حال حاضر ثبات و پایداری امنیت تنها از رهگذر نهادهای نهادینه کردن آن در جامعه و مشارکت دادن همه افراد، نهادها و تشکلهای امکان‌پذیر است. بنابراین یکی از مهم‌ترین مسئله دولت‌ها در اداره حکومت را تأمین امنیت می‌دانند حال براساس همین نکته یکی از مسائلی که پلیس اکثر کشورها با آن مواجه است، افزایش انحرافات و جرائم به‌ویژه سرقت است (اصانلو و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۴).

سرقت در میان انحرافات رفتاری و اجتماعی تقریباً از جمله مواردی است که اغلب زمان‌ها و مکان‌ها عمل نابهنجار بوده و به آن به‌عنوان عمل کاملاً منفی نگریسته شده است (کرمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۳). از آنجا که سرقت در مقایسه با برخی از جرایم مانند کلاهبرداری و جعل، نیاز به ضریب هوشی چندان بالا و مهارت ویژه ندارد، از سنین کودکی که کودک مفهوم مالکیت، ماهیت و ارزش اشیا را درک می‌کند، تا سنین پیری قابل ارتکاب است (بوسار، ۱۳۷۵: ۳۱). بنابراین سرقت پدیده‌ای است که همزمان برهم زنده امنیت مالی و جانی دیگری می‌باشد؛ به عبارت دیگر، سارق با ارتکاب سرقت سعی می‌کند وضعیت خود را با تجاوز به مال دیگری بهبود بخشد. ایجاد حس تعدید مالی و جانی در افراد جامعه، ضمن آن که تا حد زیادی انگیزه آنان را برای تلاش و کسب دارایی و ثروت مشروع تضعیف می‌کند، تسهیل‌کننده هرج و مرج در مناسبات و روابط اجتماعی و به دنبال آن تزلزل در بنیان‌های نظم عمومی و تقویت بی‌سامانی اجتماعی نیز هست. براین اساس سرقت

را می‌توان یکی از شدیدترین جرایم تلقی کرد؛ زیرا علاوه بر اینکه یکی از شایع‌ترین رفتارهای مجرمانه است، نوعی تجاوز به عنف بوده که به احساس امنیت عمومی، آرامش ذهنی و سلامت افراد نیز آسیب می‌رساند (رضایی‌راد و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۶۴).

گزارش‌ها و روند مسائل اجتماعی (جرایم و آسیب‌های اجتماعی) کشور طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ نشان می‌دهد؛ جرم سرقت همیشه یکی از پنج اولویت اول مسائل اجتماعی کشور در طی این هشت سال بوده (معاونت اجتماعی ناجا، ۱۳۹۷). پژوهش‌های جامعه‌شناختی در مورد عوامل اجتماعی سرقت بیانگر آن است که بین سرقت و افزایش بی‌رویه جمعیت، افزایش نرخ بیکاری، فقر، بالا رفتن مخارج زندگی، تغییرات سریع در الگوهای مصرف و ... رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد. کاهش کنترل‌های رسمی و غیررسمی و رعایت نکردن موارد ایمنی توسط مردم نیز موجب افزایش سرقت در جامعه می‌شود (حیدرنازاد و عامری، ۱۳۹۹: ۱۱۴). در همین زمینه اکثر جرم‌شناسان معتقدند نادیده گرفتن عوامل محیطی و اجتماعی نامبرده در تبیین رفتارهای کجرو اشتباه است؛ چرا که برای درک این گونه رفتارها باید به تحلیل نیروهای اجتماعی مخربی پرداخت که بر روی رفتار انسان تأثیر دارند. در واقع آنها موقعیت طبقاتی نامناسب را علت اولیه جرم می‌دانند و جرم را نتیجه کنترل اجتماعی ضعیف و کم‌تحرکی منابع خارجی رسمی قلمداد می‌کنند (حیدرنازاد و عامری، ۱۳۹۹: ۱۱۴).

با توجه به اینکه سرقت، رفاه و آسایش مردم و امنیت و آرامش ذهنی و سلامت شهروندان را دچار آسیب می‌نماید، تأثیر زیادی بر قربانیان می‌گذارد و دیگر افراد، بیشتر از اینکه نگران ارزش مال سرقت شده باشند، از خود سرقت می‌ترسند. بنابراین سرقت یکی از عواملی است که موجب برهم خوردن نظم و آرامش جامعه می‌شود و این گونه حرکات تأثیر عمیقی در ایجاد ناامنی و وحشیت میان افراد دارد. چنانچه کلانترها و پاسگاه‌ها نتواند به‌طور قاطع با آن برخورد و عاملان آن را به موقع دستگیر کنند، باید در انتظار ناامنی‌های دیگری نیز بود که این امر نیازمند شناسایی عمیق و

بافت‌محور عوامل منتج به سرقت است. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال شناسایی عوامل جامعه‌شناختی ارتکاب به سرقت خرد در سطح شهر همدان به‌عنوان پایتخت تاریخ و تمدن ایران اسلامی است یا به‌عبارت بهتر به‌دنبال پاسخ دادن به این سوال است که عوامل مؤثر بر سرقت خرد در شهر همدان کدام است؟

پیشینه و مبانی نظری

در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر یعنی عوامل متعدد سرقت چه در بعد کلان و چه در بعد خرد آن مطالعات قابل توجهی صورت گرفته است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

حیدرنژاد و عامری (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان «بررسی عوامل انتظامی مؤثر بر سرقت‌های خرد در شهر مشهد» دریافتند؛ چهار عامل نداشتن پاس‌های ثابت، حضور نگهبان محله، آموزش عوامل انتظامی و فناوری‌های نوین به ترتیب بیشترین عامل انتظامی مؤثر بر سرقت‌های خرد اثری تعیین‌کننده‌تری دارد.

کرمی، پورغلامی و جهانگیرپور (۱۳۹۸)، در مطالعه خود تحت عنوان «تحلیل فضایی تأثیر عوامل جمعیتی بر جرم سرقت» نشان دادند؛ متغیرهای نرخ طلاق، اعتیاد به مواد مخدر و مهاجرت به ترتیب بالاترین فراوانی را در سرقت داشته‌اند.

کمربگی و درویشی (۱۳۹۸)، در پژوهشی تحت عنوان «سارقان خرد، ویژگی‌های فردی و اجتماعی» آنها دریافتند که اکثریت مطلق (۹۹/۲) درصد سارقین خرد در استان ایلام، مرد در سنین ۲۱-۳۰ سال قرار داشته و بیکار بوده‌اند. همچنین بررسی وضعیت سارقین بر اساس نوع وسیله سرقتی نشان می‌دهد اکثریت به دلیل سرقت لوازم داخل خودرو، سرقت وسایل ساختمانی نیمه‌کاره، سرقت سیم و کابل برق و سرقت احشام دستگیر شده‌اند.

پورغلامی و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل عوامل اجتماعی و جغرافیایی مؤثر بر پدیده سرقت در شهرستان بندرعباس» به این نتیجه دست یافتند که

مهم‌ترین علل سرقت به ترتیب عبارتند از؛ گروه هم‌سالان، خانواده، فقر و بیکاری، مهاجرت، محله زندگی و تحصیلات.

محمدی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهش خود با عنوان «بازشناسی دلایل ارتکاب جرم سرقت از دیدگاه سارقان حرفه‌ای» تصریح نمودند؛ از دیدگاه سارقان مورد مطالعه، مفاهیم فقر، بیکاری، اعتیاد، ضعف دینداری، از هم پاشیدگی خانواده، ویژگی‌های شخصیتی و بی‌سوادی و کم‌سوادی به‌عنوان شرایط ارتکاب به سرقت تعریف شده‌اند. مفاهیم مکان‌آغاز و شکل‌گیری گروه‌های همکاری و یادگیری مفهوم شجاعت در حین سرقت، به‌عنوان تعاملات، همچنین نابودی سرمایه اجتماعی، فرار از خانه و تجربه زندانی شدن به‌عنوان پیامدهای عمل سرقت بیان شده‌اند.

حسین‌پور و اسفندانی (۱۳۹۶)، در پژوهشی تحت عنوان «نقش ایستگاه‌های پلیس در میزان پیشگیری از سرقت خودرو» دریافتند که محل استقرار ایستگاه‌ها پلیس، مدیریت صحیح، استعداد سازمانی نیروها و تجهیزات سازمانی این ایستگاه‌ها در پیشگیری سرقت خودرو مؤثر می‌باشد. براساس پژوهش انجام شده و نیز تجارب حاصل از فعالیت انتظامی انجام شده توسط پژوهش‌گران در طول سالیان گاشته می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری نمود که متناسب با وسعت و عمق تعاملات و تبادلات بین پلیس و افراد جامعه می‌توان به نحو مؤثر از وقوع گسترده جرایم در سطح جامعه پیشگیری کرد.

بنی‌اسد و همکاران (۱۳۹۶)، نیز در مطالعه دیگر با عنوان «بررسی علل افزایش سرقت به عنف» به این نتیجه رسیده‌اند که ضعف در باورها و اعتقادات دینی، فقر و بیکاری، ناکامی و محرومیت، ضعف انضباط اجتماعی، نقش گروه همسالان، نقش رسانه، نقصان و ناکارآمدی جریان جامعه‌پذیری، شرایط محیطی و جغرافیایی و ضعف اعتماد اجتماعی به ترتیب بیشترین تأثیرگذاری را بر میزان سرقت به عنف در شهر بندرعباس داشته‌اند.

بهرامی (۱۳۹۲)، در پژوهشی تحت عنوان «بررسی علل و عوامل اجتماعی مؤثر بر سرقت‌های خرد در شهرستان بندرعباس» به بررسی شاخص‌های اساسی تأثیرگذار

اجتماعی بر سرقت‌های خرد پرداختند که یافته‌های تحقیق نشان داد، مؤلفه آشفتگی در نظام خانواده با مقدار بتای ۰/۴۶ و تأثیر شرایط جغرافیایی و محیطی با مقدار بتای ۰/۳۲ از بین مؤلفه‌های انتخابی بیشترین تأثیر را بر سرقت‌های خرد در شهرستان بندرعباس به خود اختصاص داده است. در نتیجه توجه به گسترش مهارت‌های زندگی در خانواده‌ها و فراهم نمودن محیط سالم به خصوص برای نوجوانان می‌تواند از گسترش سرقت در این شهرستان تا حد زیادی جلوگیری نماید.

لبورایا^۱ (۲۰۲۱)، در پژوهشی که به بررسی عوامل مؤثر بر جلوگیری از سرقت شهر پورواکارتا انجام داده بود نتیجه گرفت عوامل انتظامی و کنترل اجتماعی مانند مطلوب بودن میزان گشت‌های پلیس به خصوص با موتور توانسته میزان سرقت را کاهش دهد. لین^۲ (۲۰۲۰)، در مطالعه خود تحت عنوان «سرقت: انگیزه‌ها و سبک زندگی» برای بسیاری از این سارقان پاداش‌های روانی و مادی حاصل از انجام جرم دارای اهمیت بیشتری نسبت به هزینه‌های این کار است. علاوه بر آن تجارب زندگی این افراد، نقش مؤثری در ارتکاب جرم داشته است.

آلی^۳ (۲۰۱۹)، در مطالعه‌ای بر روی ۲۷۰ نفر از سارقان دستگیر شده زندان شهر بوستون، ضعف سیستم‌های نظارتی را به‌عنوان عامل اصلی سرقت بر شمرده است. وی تجهیز و تقویت سیستم‌های نظارتی را برای کاهش جرائم مؤثر می‌داند.

باجاریا^۴ (۲۰۱۸) در پژوهش خود بر روی ۱۸۰ زندانی به جرم سرقت، بیکاری و فقر ناشی از آن را به‌عنوان مهم‌ترین عامل در به‌انحراف کشیده شدن آنها می‌داند و پیشنهاد می‌کند شاخص بیکاری به‌عنوان معضلی جدی در ایجاد جرم سرقت مورد پیگیری و بررسی دولت مردان قرار گیرد.

۱. Leburaya

۲. Lynn

۳. Allee

۴. Bajaria

لاکفیلد و همکاران^۱ (۱۹۹۷)، در تحقیقی تحت عنوان «ابعاد دینداری به‌عنوان واسطه-هایی از روابط بین رفتار انحرافی و والدین و بزرگسالان» نشان دادند که سه بعد دین-داری به‌صورت متغیرهای مداخله‌گرایانه بین رفتارهای والدین و انحراف عمل کرده و انتظار والدین این است که دینداری فرزندانشان انحراف بعدی آنها مانند سرقت را برطرف کند.

فرینگتون و جوبی^۲ (۲۰۰۱)، در یک مطالعه طولی به بررسی رابطه بین بزهکاری و خانواده از هم‌گسیخته پرداخته‌اند که نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که درصد نرخ بزهکاری در میان پاسخ‌گویانی که از یک خانواده از هم‌گسیخته هستند، بیشتر از خانواده‌های دست‌نخورده و سالم است.

اندرسون^۳ (۲۰۰۲)، در تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل فردی و زمینه اجتماعی مرتبط با بزهکاری» به بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد؛ نوجوانانی که در خانواده‌های تک‌والدی زندگی می‌کنند و یا در خانواده‌های نابسامان به سر می‌برند، احتمال رفتار بزهکارانه‌شان بیشتر است.

هافمن^۴ (۲۰۰۳)، در پژوهشی که در زمینه بزهکاری انجام داده است، به این نتیجه رسیده است، جوانانی که در خانواده‌هایی به سر می‌برند که تجربه‌های استرس‌زا را پشت سر می‌گذرانند و همچنین خانواده آنان بر رفتار و اعمال آنان نظارت کمتری دارند، احتمال اینکه به رفتار بزهکارانه گرایش پیدا کنند، بیشتر است. بنابراین در یک جمع‌بندی از مبانی نظری و پیشینه‌های پژوهش نتیجه گرفته می‌شود، با توجه به اینکه در حال حاضر در کشور ایران ارتکاب جرایم از جمله سرقت‌های خرد وجود دارد و این امر به نوبه خود می‌تواند مشکلات گوناگونی داشته باشد، انجام پژوهش به همراه

۱. Litchfield et al

۲. Farrington & Juby

۳. Anderson

۴. Haffmann

عملیاتی نمودن داده‌های واقعی کاملاً احساس می‌شود، به خصوص در شهر همدان که به دلایل متعددی هنوز پژوهشی در این زمینه انجام نشده است.

تبیین‌های جامعه‌شناختی ماهیت جرم می‌توانند یک تبیین رضایت بخش تلقی شود، زیرا که ماهیتاً به نهادهای اجتماعی جامعه بستگی دارد و در صورت تبیین درست ساختارهای اجتماعی می‌توان یک استدلال منطقی و علمی برای ماهیت جرم باشند. به‌طور کلی نظریه‌های جامعه‌شناختی از دو جهت سودمند بوده‌اند، نخست این نظریه‌ها به درستی بر پیوستگی‌های میان رفتار تبه‌کارانه و آبرومندان تأکید می‌ورزند و دوم این که همه می‌پذیرند عنصر زمینه‌ای نیرومندی در وقوع فعالیت‌های تبه‌کارانه وجود دارد (گیدنز، ۱۹۹۹). اما به‌طور کلی براساس چارچوب تئوریک، نظریه‌هایی که مسائل و انحرافات اجتماعی مانند سرقت را مورد بررسی قرار می‌دهند، در سه دسته نظریه‌های زیست-شناختی، نظریه‌های روان‌شناختی و نظریه‌های جامعه‌شناختی قرار می‌گیرند که طبق نظریه‌های زیست‌شناختی، عواملی که افراد را به سمت انحراف از هنجارهای جافتاده اجتماعی سوق می‌دهد، عواملی زیستی، ارثی و ژنتیکی هستند. بر این مبنا، برخی افراد از نظر فیزیولوژیک استعدادی دارند که موجب می‌شود در مقایسه با دیگران بیشتر مرتکب انحرافات مانند سرقت شوند (محمدی‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳). همچنین نظریه‌های روان‌شناختی نیز بر گرایش بیشتر برخی از تیپ‌های شخصیتی به جرم و بزهکاری تأکید دارند. براساس این نظریه‌ها، احتمال بزهکار شدن در افرادی که عزت نفس پایینی دارند یا بیشتر مضطرب می‌شوند، به منظور آرامش یافتن، اعتماد به نفس پیدا کردن و رهایی از تنش، بیشتر است. این نظریه‌ها قصد دارند تا به شیوه‌های علمی و اثباتی به کشف عوامل انحراف در افراد پردازند (موناگه کار، ۲۰۲۱). در نهایت نظریه‌های جامعه‌شناختی که اساس پژوهش حاضر را تبیین می‌کنند نیز به نقش جامعه و شرایط اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری بزهکاری و رفتارهای انحرافی توجه می‌کنند. به-

عبارت دیگر، ریشه‌های بزهکاری را در شرایط اجتماعی کنشگران قرار می‌دهند. اندیشمندان این گروه معتقدند، جامعه و اجزای آن شامل نقش‌ها، ساختارها و نهادها است که افراد را به سمت کجرفتاری سوق می‌دهند (لبورایا^۱، ۲۰۲۱: ۴۵). در رابطه با متغیرهای پژوهش نظریه‌های متعددی به بحث و بررسی پرداخته‌اند، اما در پژوهش حاضر هدف آن نظریه‌های هستند که با نگاهی جامعه‌شناسانه تمیز مناسب‌تری در مقایسه با بقیه این مهم را به انجام رسانده باشند، که در ادامه تشریح خواهند شد.

نظریه آنومی. در قلمرو مباحث حوزه جامعه‌شناسی جرم، بی‌هنجاری و کژرفتاری به عنوان مفهومی اساسی مطرح است. بسیاری از صور کج رفتاری و از جمله انحرافات را می‌توان با توجه به مفهوم آنومی (بی‌هنجاری) تبیین کرد. در این زمینه دورکیم^۲ مطرح می‌کند، انسان‌ها موجوداتی با آرزوهای نامحدودند. آنان بر خلاف جانوران دیگر با برآورده شدن نیازهای زیستی‌شان سیری نمی‌پذیرند. از این سیری ناپذیری طبیعی نوع بشر چنین برمی‌آید که آرزوهای انسان را تنها می‌توان با نظارت‌های خارجی، یعنی با نظارت اجتماعی مهار کرد. جامعه بر آرزوهای بشری محدودیت‌هایی را تحمیل می‌کند و نیروی تنظیم‌کننده‌ای را می‌سازد که باید همان نقشی را در برآورده کردن نیازهای اخلاقی انسان بازی کند که ارگانسیم در برآورده ساختن نیازهای جسمی ایفا می‌نماید (هزار جریبی و صفری شالی، ۱۳۸۸: ۴۵). در حقیقت آنومی در سطح اجتماعی گاهی حاصل تعارض و کشاکش قواعد و قواره‌های اجتماعی است، به طوری که فرد نتواند خود را بر آنها منطبق و از آنها پیروی نماید و گاهی نیز به علت وجود نداشتن قواعد و هنجارهای اجتماعی است و بنابراین دستورالعمل مشخصی برای رفتار تعریف نگردیده است که فرد بخواهد از آنها تبعیت نماید (دورکیم، ۱۳۶۸؛ برگرفته از محسنی تیریزی، ۱۳۸۷: ۵۶-۵۷). بنابراین ویلیام گود^۳ با یاری گرفتن از

۱. Leburaya

۲. Durkheim

۳. William Goode

مفهوم آنومی و تعمیم آن به نهاد خانواده به عنوان مهم‌ترین آژانس اجتماعی کننده ساختار خانواده، سازمان و انگاره‌های آن را کلیدی برای شناخت شخصیت و رفتار افراد پرورش یافته در آن تلقی می‌کند و هرگونه نابسامانی و بی‌سازمانی در این نهاد و ساختار آن را در بروز توسعه و تکوین شخصیت بزهکار و کجرو دخیل می‌داند (گود، ۱۳۵۲: ۲۴۸-۲۴۹).

نظریه تضاد^۱. جوامع مدرن صنعتی به جای وفاق ارزشی و هماهنگی اجتماعی که از ویژگی‌های عمده جوامع سنتی بوده، تضادهای اجتماعی و فرهنگی متعدد و متنوعی را از خود بروز دادند که نشان از ماهیت متکثر، پیچیده و ناهمگون آنهاست. تضادهای اجتماعی به منافع، نیازها و مطالبات ناسازگار گروه‌های متنوع - مانند شرکت‌های تجاری و تضادهای آنها با اتحادیه‌های کارگری، تضاد محافظه‌کاران با گروه‌های سیاسی لیبرال، تضادهای سفیدان و سیاهان - مربوط می‌شود. تضادهای فرهنگی به هنجارها و ارزش‌های ناسازگاری می‌پردازند که از تعریف‌های درست و غلط می‌شود. یعنی آنچه در یک خرده فرهنگ درست تلقی می‌شود، در خرده فرهنگ دیگر آن را نادرست می‌پندارند. تضادگرایان عمدتاً مدعی‌اند که توزیع افتراقی قدرت در جوامع متکثر موجب می‌شود که برخی گروه‌هایی که سهم کافی از قدرت دارند بتوانند قوانین و مقرراتی تصویب کرده، به اجرا گذارند که به ضرر و زیان منافع گروه‌های رقیب و در خدمت منافع خودشان باشند (سروستانی، ۱۳۸۷: ۶۷-۶۸). از نظر این تئوری جرم و جنایت نتیجه کشمکش‌ها است. به‌طور کلی تضادگرایان متقدم اصولاً تضادهای اجتماعی و فرهنگی را موجب کجرفتاری‌های مختلف و جرم را بخشی پیوسته، ذاتی و بهنجار در جامعه مدرن صنعتی تلقی کرده است. اما عده‌ای از تضادگرایان متأخر، تحلیل و تعلیل اثبات‌گرایانه را رها کرده، در رویکرد نو تضادی خود، مفاهیمی از

۱. Use And Gratification Theory

نابرابری اجتماعی، مارکسیسم، فمینیسم و قدرت را در تحلیل‌های برساخت‌گرایانه خود از کج رفتاری به کار بسته‌اند (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۰۲).

نظریه کنترل اجتماعی. هیرشی^۱ و رکلس^۲ به عنوان پیشگامان نظریه کنترل اجتماعی با تکیه بر نظریات دورکیم به خصوص با الهام از تئوری آنومی وی به ابداع و بسط این تئوری پرداختند. این تئوری بر این فرض استوار است که کجروی ناشی از ضعف یا گسستگی تعلق فرد به جامعه است که اثر کنترل و نظارت اجتماعی به وجود می‌آید. هیرشی نظریه کنترل خود را در کتابش با نام «علل بزهکاری» در سال ۱۹۶۹ ارائه کرد. هیرشی شروع جرم را به ضعف عواملی مربوط می‌داند که افراد را به جامعه متصل می‌کنند. از نظر هیرشی همه افراد بالقوه قانون شکن هستند؛ اما آنها کنترل می‌شوند؛ چرا که از این می‌ترسند که رفتار انحرافی‌شان به روابط آنها با دوستان، والدین، همسایگان، معلمان و... آسیب برساند. به اعتقاد وی بدون این عوامل و بندهای اجتماعی و در غیاب حساسیت و علاقه به دیگران، یک شخص آزاد است که اعمال مجرمانه مرتکب شود (هیرشی، ۱۹۶۹، برگرفته از سیگل^۳، ۲۰۰۳: ۲۲۹). وی در تئوری خود مفهوم پیوند اجتماعی^۴ را مطرح می‌کند و بر این عقیده است که انحراف زمانی حادث می‌شود که پیوند فرد با محیط اطراف و جامعه ضعیف شود یا از هم‌گسیخته باشد. در تئوری هیرشی پیوند فرد با جامعه است که مهم‌ترین متغیر در هم‌نوا بودن یا ناهم‌نوا بودن فرد است. بر این اساس گروهی که اعضای آن با هم انسجام و همبستگی قوی‌تری داشته باشند، بهتر قادر به اعمال کنترل و نظارت اجتماعی بر روی اعضایش خواهد بود، تا گروهی که بین آنها انسجام استواری وجود نداشته باشد. وی معتقد است که بزهکاری وقتی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شود، یا به‌طور

۱. Hirchi

۲. Rockless

۳. Sigel

۴. Social Synthesis

کلی از بین برود. این قیود را تحت چهار مفهوم کلی دلبستگی، تعهد، مشارکت، باور و اعتقاد خلاصه می‌کند (سلیمی، ۱۳۸۰: ۱۵۴).

نظریه برچسب یا انگ زنی^۱. نظریه پردازان نظریه برچسب^۲، انحراف را یک پدیده اجتماعی می‌دانند و بر این باورند که انحراف‌های اجتماعی ناشی از عوامل روانشناختی یا زیست‌شناختی نبوده و مجرمان ذاتاً منحرف نیستند، بلکه این جامعه است که هویت انحرافی را در فرد ایجاد می‌کند (ستوده، ۱۳۷۸: ۶۷). این دیدگاه به تعامل بین فرد و جامعه و کسانی را که او را منحرف قلمداد می‌کنند توجه دارد در واقع منشا و نحوه تعامل افراد و گروه‌هایی که کجرو قلمداد می‌شوند و تأثیرات چنین تصور و برداشتی بر رفتار آینده آن افراد مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای نمونه کنش متقابل بین فرد منحرف و عوامل گوناگون کنترل اجتماعی از قبیل والدین، دستگاه قضائی، معلمان و مقامات اداری و.. مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و اثرات وارده بر فردی که او را تبه‌کار، بزه‌کار، بیمار روانی، الکلی و منحرف جنسی می‌نامند، می‌تواند بررسی شود. بکر^۳ عقیده دارد گروه‌های اجتماعی از طریق وضع قوانینی که نقض آنها به شکل انحراف می‌انجامد و با کاربرد آن قوانین در مورد افرادی به ویژه و برچسب دیوانه زدن، انحراف را به وجود می‌آورند. بنابراین از این دیدگاه، انحراف کیفیت عملی نیست که شخص مرتکب شود بلکه نتیجه‌ای از کاربرد قانون و مجوزهایی است که مردم به آن چنین برچسبی می‌زنند (صفوی، ۱۳۶۷: ۵۸). اندیشمندان این نظریه، فرایند برچسب زدن را به دو مرحله تقسیم می‌کنند: ۱- در مرحله اولیه، افراد از هنجارهای اجتماعی سر بر می‌تابند، ولی برچسب نمی‌خورد و خود را منحرف نمی‌انگارند. ۲- هنگامی که رفتار انحرافی تداوم می‌یابد و عامل رفتار را تبدیل به بزه‌کار یا مجرم حرفه‌ای می‌کند و برچسب منحرف به فرد زده می‌شود، انحراف دومین پدید می‌آید.

۱. Labeling Theory

۲. Labelinoj Theory

۳. Becker

انحراف دومین هنگامی پدید می‌آید که فرد منحرف به لحاظ رفتاری و هویتی وارد مرحله جدید شده که رفتار انحرافی برای وی نهادینه گردیده و می‌تواند با وجدان درونی خود کنار بیاید (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۰۳).

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی، از نوع پیمایشی است. این تحقیق از نظر وسعت، پهناگر و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است که در زمان خاصی انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی سارقین خرد در شهر همدان هستند که در بازه زمانی دو ماهه (بهمن و اسفند) دستگیر شده‌اند که حجم نمونه آماری ۷۶ نفر سارق دستگیر شده است که به صورت در دسترس انتخاب شدند. با توجه به ماهیت موضوع، ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه بوده و برای سنجش متغیرهای تحقیق از پرسش‌نامه محقق‌ساخته، استفاده شد. سوالات پرسش‌نامه تحقیق براساس چهارچوب نظری تحقیق و مفاهیم و متغیرهای به کار رفته در فرضیه‌های تحقیق و بازمینی تحقیقات مشابه که در داخل و خارج از کشور انجام گرفته، طراحی شده است. بعد از طراحی پرسش‌نامه و قبل از اجرای نهایی آن، پرسش‌نامه توسط چند متخصص در این زمینه، مورد ارزیابی جدی قرار گرفته و با جرح و تعدیل اصلاح شد. این پرسش‌نامه در دو سطح تهیه شد. سطح اول اطلاعات جمعیت-شناختی مانند محل تولد، سطح تحصیلات، سطح تحصیلات پدر و مادر، وضعیت تأهل پاسخ-گویان،... و در سطح دوم نیز متغیرهای اصلی مانند؛ دینداری، انومی اجتماعی، هم‌نشینی با افراد خلافکار و کنترل اجتماعی براساس طیف لیکرت تنظیم شده که در نهایت روایی صوری ابزار توسط کارشناسان مورد تأیید قرار گرفت و برای به‌دست آوردن روایی محتوایی ابزارهای موردنظر با بهره‌گیری از نظرات اصلاحی هفت نفر از صاحب‌نظران حوزه امنیت اعم از استادان دانشگاه در رشته‌های علوم اجتماعی و پیشگیری از جرم، کارشناسان پلیس و پژوهش‌گران حرفه‌ای به‌دست آمد و پایایی پرسش‌نامه‌های مذکور با استفاده از آلفای کرونباخ به ترتیب در متغیرهای نامبرده ۰/۸۴، ۰/۸۹، ۰/۸۱ و ۰/۸۷ محاسبه شد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی مانند؛ فراوانی، میانگین،

درصد، آزمون کالموگرف-اسمیرنوف، آزمون t تک نمونه‌ای، آزمون فریدمن و تحلیل واریانس در محیط نرم افزار spss25 تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها

بر اساس داده‌های به‌دست آمده میانگین سنی نمونه‌های مورد مطالعه پژوهش ۲۹ سال است. همچنین داده‌ها نشان دهنده این نکته هستند که پاسخ‌گویان مورد مطالعه این پژوهش از لحاظ جنسیت مرد می‌باشند. در ادامه نیز تصریح شد؛ از تعداد ۷۶ نفر افراد شرکت‌کننده در این پژوهش، ۶۰/۵ درصد یعنی ۴۶ نفر محل تولدشان روستا بوده، ۳۴/۴ درصد یعنی ۲۶ نفر محل تولدشان شهر بوده، ۱/۳ درصد معادل ۱ نفر نیز عشایری بوده است و در نهایت ۳/۹ درصد از پاسخ‌گویان که ۳ نفر بوده‌اند محل تولدشان را اظهار نکرده‌اند. در رابطه با سطح تحصیلات نیز مشخص شد؛ از کل نمونه مورد بررسی، سطح تحصیلات ۹/۲ درصد از پاسخ‌گویان بیسواد هستند، ۴۳/۴ از پاسخ‌گویان ابتدایی، ۲۶/۳ درصد از پاسخ‌گویان راهنمایی، ۱۷/۱ درصد دبیرستانی، ۱/۳ درصد از پاسخ‌گویان فوق‌دیپلم و در نهایت ۲/۶ درصد از پاسخ‌گویان نیز لیسانس هستند. همچنین نتایج نشان داد؛ اکثر شرکت‌کنندگان در پژوهش دارای وضعیت اقتصادی چندان مطلوبی نیستند. براساس گزارش‌های اعلام شده ۱۰/۵ درصد از پاسخ‌گویان درآمد ماهیانه خود را کمتر از ۷۰۰ هزار تومان در ماه اعلام کرده‌اند، ۲۶/۳ درصد مابین ۷۰۰۰۰-۱۴۰۰۰۰ تومان، ۳۱/۶ درصد ۱۴۰۰۰۰-۲۱۰۰۰۰۰، ۹/۲ درصد مابین ۲۱۰۰۰۰ تا ۲۸۰۰۰۰۰، ۹/۲ درصد مابین ۲۸۰۰۰۰۰ تا ۳۵۰۰۰۰۰، ۱۰/۵ درصد نیز بیشتر از ۳۵۰۰۰۰۰ و در نهایت ۲/۶ درصد نیز درآمد ماهیانه خود را گزارش نکرده‌اند. در همین زمینه نتایج نشان داد؛ تعداد ۶۴ نفر از پاسخ‌گویان یعنی ۸۴/۲ درصد از مواد مخدر استفاده می‌کنند، تعداد ۱۰ نفر یعنی ۱۳/۲ درصد مصرف‌کننده مواد مخدر نیستند و ۲/۶ درصد نیز وضعیت مصرف خود را گزارش نکرده‌اند.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی بی‌نظمی فیزیکی، کنترل اجتماعی، همنشینی با افراد خلافکار و دینداری (n=76)

گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین
بی‌نظمی فیزیکی	۷۶	۳۸/۹۲	۱۰/۱۴	۱/۱۶
کنترل اجتماعی	۷۶	۲۶/۰۲	۶/۰۱	۰/۶۸
همنشینی با افراد خلافکار	۷۶	۲۱/۱۹	۳/۸۳	۰/۴۳
دینداری	۷۶	۴۰/۵۷	۸/۳۵	۰/۹۵
آنومی (بی‌هنجاری)	۷۶	۱۸/۴۲	۳/۶۹	۰/۴۲

در جدول ۱. کمترین نمره، بیشترین نمره، میانگین و انحراف استاندارد داده‌ها گزارش شده است. میانگین نمرات به دست آمده از متغیر بی‌نظمی فیزیکی (۳۸/۹۲)، انحراف معیار ۱۰/۱۴ و خطای استاندارد نیز ۱/۱۶ گزارش شده است. در مورد کنترل اجتماعی میانگین نمرات به دست آمده (۲۶/۰۲)، انحراف معیار ۶/۰۱ و خطای استاندارد نیز ۰/۶۸ می‌باشد. همنشینی با افراد خلافکار با میانگین (۲۱/۱۹)، انحراف معیار ۳/۸۳ و خطای استاندارد نیز ۰/۴۳ گزارش شده است. دینداری نیز با میانگین (۴۰/۵۷)، انحراف معیار ۸/۳۵ و خطای استاندارد ۰/۹۵ محاسبه شده و در نهایت متغیر آنومی با میانگین (۱۸/۴۲)، انحراف معیار ۳/۶۹ و خطای استاندارد ۰/۴۲ به دست آمده است.

شماره ۲: توزیع فراوانی وضعیت عوامل منجر به سرقت‌های قبلی پاسخگویان

نام متغیر	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
عوامل سرقت	۳	۱۷/۱	۱۷/۱
	۱۸	۳۲/۷	۴۰/۸
	۱۹	۲۵	۶۵/۸
	۹	۱۱/۸	۷۷/۶
	۱۲	۱۵/۸	۹۳/۴
	۲	۲/۶	۹۶/۱
	۳	۳/۹	۱۰۰
کل	۷۶	۱۰۰	

براساس جدول شماره ۲ توزیع فراوانی وضعیت علل و عوامل سرقت‌های انجام شده پاسخگویان مشخص شده است. وضعیت بد اقتصادی (فقر و بیکاری) با ۳۲/۷ درصد، اعتیاد به مواد مخدر ۲۵ درصد، دوستان ناباب ۱۱/۸ درصد، وضعیت اقتصادی و اعتیاد ۱۵/۸ درصد، وضعیت اقتصادی و دوستان ناباب ۲/۶ درصد، اعتیاد و دوستان ناباب ۳/۹ درصد و تعداد سه نفر از شرکت کنندگان یعنی ۱۷/۱ درصد نیز وضعیت خود را گزارش نکرده‌اند.

جدول (۳): آزمون کالموگروف-اسمیرنف برای متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	Z	سطح معنی‌داری
بی‌نظمی فیزیکی	۷۶	۰/۹۰۶	۰/۱۴
کنترل اجتماعی	۷۶	۰/۹۰۸	۰/۱۳
همنشینی با افراد خلافکار	۷۶	۰/۹۱۱	۰/۱۲
دین‌داری	۷۶	۰/۹۰۶	۰/۱۶
آنومی (بی‌هنجاری)	۷۶	۰/۹۰۱	۰/۱۲

مندرجات جدول ۳ نشان می‌دهد که پیش‌فرض نرمال بودن توزیع متغیرهای مورد مطالعه در نمونه مورد مطالعه محقق شده است، چرا که مقادیر Z محاسبه‌شده در سطح $P > ۰/۰۵$ معنی‌دار نیست.

جدول (۴): آزمون t تک نمونه متغیر بی‌نظمی فیزیکی

گروه‌ها	میانگین نظری: ۴۰		سطح معناداری
	اختلاف میانگین	درجه آزادی	
بی‌نظمی فیزیکی	۱/۰۷	۷۵	۰/۳۵۷
کنترل اجتماعی	۱/۰۲	۷۵	۰/۱۴۱
همنشینی با افراد خلافکار	۱/۱۹	۷۵	۰/۰۰۸
دین‌داری	-۹/۴۲	۷۵	۰/۰۰۱
آنومی (بی‌هنجاری)	۰/۹۲	۷۵	۰/۰۳۳

براساس جدول ۴ چون بی‌نظمی فیزیکی $t = -۰/۹۲۸$ بدست آمد که در سطح ۰/۳۲۷ با درجه آزادی (۷۵) معنادار نیست، می‌توان قضاوت کرد که میانگین آن معنی‌دار نمی‌باشد و با توجه به مقایسه میانگین با مقدار آزمون مشخص شد موانع فیزیکی به اندازه‌ای

نبوده است که مانع از سرقت سارقان باشد و مانعی برای آنها به وجود بیاورد. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود؛ میانگین تجربی با میانگین نظری تفاوت معنی‌داری ندارد. همچنین از آنجا که میانگین تجربی کمتر از میانگین نظری بود، می‌توان گفت موانع فیزیکی از نظر پاسخ‌گویان نتوانسته از سرقت آنان جلوگیری به عمل آورد. همچنین مطابق نتایج به-دست آمده از جدول فوق چون کنترل اجتماعی $t=1/48$ به دست آمد که در سطح $0/141$ با درجه آزادی (۷۵) معنادار نیست، می‌توان قضاوت کرد که میانگین کنترل اجتماعی معنی‌دار نیست و با توجه به مقایسه میانگین با مقدار آزمون مشخص می‌شود که سارقان کنترل اجتماعی زیادی را درک نکرده‌اند و میانگین کنترل اجتماعی پایین می‌باشد. براساس متغیر هم‌نشینی با افراد خلافکار نیز نتیجه گرفته می‌شود؛ چون $2/72 = t$ به دست آمد که در سطح $0/008$ با درجه آزادی (۷۵) معنادار می‌باشد می‌توان قضاوت کرد که میانگین هم‌نشینی با افراد خلافکار معنی‌دار است و با توجه به مقایسه میانگین با مقدار آزمون مشخص می‌شود که میانگین هم‌نشینی با افراد خلافکار بیشتر از میانگین نظری و سارقان میزان هم‌نشینی با افراد خلافکار بالایی داشتند. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که میانگین تجربی با میانگین نظری تفاوت معنی‌داری دارد. همچنین از آنجا که میانگین تجربی بیشتر از میانگین نظری بود، می‌توان گفت هم‌نشینی از نظر پاسخ‌گویان یکی از عوامل سرقت در بین آنان شده است. همچنین مشخص شد؛ چون میانگین دین‌داری $-9/82 = t$ به دست آمد که در سطح $0/001$ با درجه آزادی (۷۵) معنادار است، می‌توان قضاوت کرد؛ میانگین دین‌داری معنی‌دار می‌باشد و با توجه به مقایسه میانگین با مقدار آزمون مشخص می‌شود؛ میانگین دین‌داری کمتر از میانگین نظری است و سارقان میزان دین‌داری پایینی داشتند. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که میانگین تجربی با میانگین نظری تفاوت معنی‌داری دارد و پایین بودن میزان دین‌داری سارقین از عوامل ارتکاب به سرقت بوده است. در نهایت نتایج در مورد آنومی نیز نشان داد؛ چون $2/17 = t$ به دست آمد که در سطح $0/033$ با درجه آزادی (۷۵) معنادار است،

می‌توان گفت؛ میانگین آنومی (بی‌هنجاری) معنی‌دار است و با توجه به مقایسه میانگین با مقدار آزمون مشخص می‌شود که میانگین آنومی (بی‌هنجاری) بیشتر از میانگین نظری است و سارقان میزان آنومی (بی‌هنجاری) بالایی داشتند. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که میانگین تجربی با میانگین نظری تفاوت معنی‌داری دارد. همچنین از آنجا که میانگین تجربی بیشتر از میانگین نظری بود، می‌توان گفت پاسخ‌گویان میزان آنومی بالایی را گزارش کرده‌اند.

جدول (۵) اولویت‌بندی متغیرهای ارتکاب به سرقت با استفاده از آزمون فریدمن

متغیرها	تعداد	میان	رتبه	درجه آزادی	مقدار کای اسکور	سطح معنی‌داری
ضعف در دین‌داری	۷۶	۴۰/۵۷	۳/۸۴	۳	۱۵۵۶/۴۶۸	۰/۰۰
بی‌نظمی فیزیکی	۷۶	۳۸/۴۶	۲/۹۷			
کنترل اجتماعی	۷۶	۲۶/۲	۲/۷۶			
همنشینی	۷۶	۲۱/۱۹	۲/۰۰			
آنومی (بی‌هنجاری)	۷۶	۱۸/۴۲	۱/۳۹			

با توجه به جدول (۵) نتایج آزمون فریدمن، نشان می‌دهد بین متغیرهای ارتکاب به سرقت تفاوت معناداری در سطح ۰/۹۵ وجود دارد. با توجه به مقدار میانگین رتبه‌ها بیش‌ترین مقدار به بیان یافته‌ها، دین‌داری (۳/۸۴) و پس از آن به ترتیب بی‌نظمی فیزیکی (۲/۹۷)، کنترل اجتماعی (۲/۷۶)، همنشینی بد (۲/۰۰) و پایین‌ترین عامل نیز آنومی (۱/۳۹) گزارش شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر سرقت خرد در شهر همدان انجام پذیرفت. اولین یافته نشان داد؛ بی‌نظمی فیزیکی در محیط از عوامل مؤثر بر سرقت‌های خرد است. چرا که نتایج مطالعات نشان داد؛ موانع فیزیکی به اندازه‌ای نبوده است که مانع از سرقت سارقان باشد و مانعی برای آنها به وجود بیاورد. این نتایج تا حدودی با مطالعات محمدی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۷) و بهرامی (۱۳۹۲) هم‌سویی دارد. به‌عنوان

مثال نتایج مطالعه بهرامی (۱۳۹۲) نشان داد؛ تأثیر شرایط فیزیکی - جغرافیایی محیط با مقدار بتای ۰/۳۲ از بین مؤلفه‌های انتخابی بیشترین تأثیر را بر سرقت‌های خرد در شهرستان بندرعباس به خود اختصاص داده است. در این زمینه نیومن^۱ (۱۹۹۸) معتقد بود فضاهایی که امکان دیدن و دیده شدن در آن‌ها بیشتر باشد و در ضمن امکان کمی برای فرار فراهم باشد، پتانسیل کمتری برای فعالیت مجرمان فراهم می‌آورند. از این رو برای مثال استدلال می‌شود که زده‌ها و پرچین‌ها می‌توانند به عنوان موانع فیزیکی تلقی شوند و وجود نشانه‌های دیده‌بان محله‌ای نشان از نظارت مردم بر همدیگر و مواظبت از یکدیگر باشد. اگر شاخص‌های ساده بی‌نظمی (مثل پنجره‌های شکسته، افراد ولگرد) مورد توجه قرار نگرفته و به حال خود رها شوند، می‌تواند موجب افزایش جرایم شود. بی‌نظمی مهار نشده، ساکنان را هراسان می‌کند، به طوری که آنها به این نتیجه می‌رسند هنجارها و رفتارها از هم گسیخته شده، کنترل اجتماعی در همسایگی از بین رفته و مقامات رسمی و دولتی قادر به رفع این معضلات نیستند. بنابراین با کنار کشیدن خود، سطح کنترل اجتماعی غیررسمی کاهش یافته و این امر به نوبه خود موجب بی‌نظمی بیشتر و حتی افزایش جرم می‌شود. بنابراین در خصوص نتایج حاصل از چگونگی استفاده از کیوسک‌های انتظامی می‌توان گفت این شاخص رابطه معناداری با عوامل انتظامی بر سرقت‌های خرد دارد، به طوری که هرگاه موقعیت جغرافیای گوناگون کیوسک‌های در محله‌ها به صورت صحیح جایابی شود، احتمال انجام اعمال مجرمانه نظیر سرقت نیز کاهش می‌یابد.

نتایج پژوهش نشان داد؛ کنترل اجتماعی در سرقت‌های خرد در سطح پایین است و از نظر بیشتر سارقان کنترل جامعه توسط نیروهای پلیس به خوبی انجام نمی‌گیرد، همین امر تا حدودی باعث گرایش آنان به سرقت شده است که نتایج احصائی با یافته‌های حیدر نژاد و عامری (۱۳۹۹) و حسین پور و اسفندانی (۱۳۹۶) هم‌سو است. بنابراین می-

توان گفت؛ پلیس به‌عنوان سازمانی که برای تحقق اهداف بسیار وسیع تشکیل شده، در مسیر انجام رسالت‌های خویش نیازمند دسترسی به اطلاعات و داده‌های مربوطه است، علاوه بر پیشگیری انتظامی از بزهکاری و کشف جرم می‌توان کنترل مجرمین حرفه‌ای و نظارت بر مجرمان سابقه‌دار را از جمله اهداف و رسالت‌های پلیس در ایران همانند پلیس سایر کشورها برشمرد. تکرار جرم توسط مجرمین حرفه‌ای و سابقه‌دار، از جمله مباحث حقوق کیفری است که از یک‌سو نشانه ناتوانی بزهکار در جهت باز اجتماعی شدن است و از سوی دیگر بیانگر موفقیت نبودن نهادهای مختلف نظام عدالت کیفری (دادسرا، پلیس، دادگاه و سازمان زندان‌ها) در جهت باز پروری بزهکار و همچنین پیشگیری از وقوع جرم است. بنابراین کنترل و نظارت بر این دسته از سارقان جهت انصراف آنان از ارتکاب مجدد جرم همواره از چالش‌ها و در مواردی از نقاط ضعف عملکرد نهادهای مختلف نظام عدالت کیفری است. از این‌رو پلیس از راه‌های مختلف سعی در اعمال کنترل و نظارت بر سارقان خرد داشته و بر آن است تا با جمع‌آوری اطلاعات از منابع مختلف، در خصوص اهداف مجرمانه آنان به اطلاعات جامع و کامل و به‌عبارتی به اشراف اطلاعاتی برسد.

در ادامه یافته‌ها نشان داد؛ همنشینی با افراد خلافکار از عوامل مؤثر بر سرقت‌های خرد سارقین در شهر است. به‌طوری‌که همنشینی سارقان خرد با افراد خلافکار بیشتر بوده است. به‌عنوان مثال بنی‌اسد، براتی‌مصلح و عمرانی‌نژاد (۱۳۹۶) در پژوهش خود تبیین کردند، مجرمانی که اقدام به سرقت به‌عنف کرده بودند، همگی با افرادی که دست به چنین اقداماتی دست زده بودند، به همنشینی داشته‌اند. در رابطه با فرضیه حاضر سادرلند^۱ (۲۰۰۴) در تئوری خود بر اصل یادگیری تأکید می‌کند. بدین معنا که افراد از طریق پیوند و همنشینی با دوستان کجرو به سمت انحراف کشیده می‌شوند. فرد بزهکار در طول حیات خود از طریق ارتباط با دیگران ارزش‌های انحرافی را یاد می‌گیرد و به

واسطه همشینی و ارتباطی که با قانون شکنان دارند کجرو می‌شوند. افراد به این علت به سمت انحراف می‌روند که مقدار تماس‌های انحرافی آنان بیشتر از تماس‌های غیرانحرافی‌شان است. در این تئوری رفتار مجرمانه در اثر تماس و همشینی با الگوهای جنایی آموخته می‌شود.

نتایج مطالعات نشان داد؛ دینداری در میان سارقان خرد در سطح پایین بوده است. مطالعات رحیمی دستجردی (۱۳۹۳) نشان داد که رابطه معناداری بین حساسیت مذهبی و گرایش به رفتارهای ضداجتماعی وجود دارد. بنابراین مذهب و دین می‌تواند به عنوان یک عامل بازدارنده در رفتارهای ضد اجتماعی از جمله (گرایش به سرقت) عمل کند و به خاطر احساس گناه و ترس از عواقب اخروی آن از دست زدن به آسیب‌های اجتماعی پرهیز کنند. به عبارتی نوجوان غیربزهکار در مقایسه با نوجوان بزهکار مذهبی تر هستند. این معناداری رابطه می‌تواند به صورتی رفتار فرد را کنترل کند و در نتیجه از مذهب می‌توان به عنوان یک عامل کنترل کننده درونی که مانع از انجام برخی آسیب‌ها می‌شود، یاد کرد. پس مذهب و دین می‌تواند در بسیاری از موارد تعدیل کننده و تنظیم کننده رفتار تلقی شود. به هر تقدیر تربیت صحیح دینی فرزندان توسط والدین، ترویج ارزش‌های دینی و اخلاقی در جامعه، عمل به آموزه‌های دینی توسط والدین و پرهیز از افراط و تفریط از عواملی است که می‌تواند در پیشگیری از سرقت در بین نوجوانان و جوانان نقش مهمی را ایفا کند (سعیدی، ۱۳۸۵).

در نهایت نتایج تصریح نمودند؛ آنومی یا بی‌هنجاری از عوامل موثر بر سرقت‌های خرد در شهر همدان می‌باشد. چراکه نتایج نشان داد؛ میانگین آنومی (بی‌هنجاری) بیشتر از میانگین نظری می‌باشد و سارقان میزان آنومی (بی‌هنجاری) بالایی داشتند که نتایج به دست آمده با یافته‌های محمدی مقدم و همکاران (۱۳۹۷)، بنی‌اسد و همکاران (۱۳۹۶)، لاکفیلد و همکاران (۱۹۹۷) و فرینگتون و جویی (۲۰۰۱) هم‌سو است. به‌عنوان مثال فرینگتون و جویی (۲۰۰۱) نتیجه گرفتند؛ درصد نرخ بزهکاری در میان پاسخ‌گویانی

که از یک خانواده از هم گسیخته و ناهنجار هستند، بیشتر از خانواده‌های دست‌نخورده و سالم است. بنابراین میزان آنومی در یک جامعه تعیین کننده جرم در آن جامعه است. در تبیین نتایج بالا می‌توان گفت؛ خانواده کانون توجه و رکن اساسی جامعه است، پس هر گونه رفتار انحرافی را می‌توان در ساختار نابسامان خانواده پی‌جویی کرد. یک خانواده نابسامان و از هم گسیخته خود عامل و زمینه انحراف است و فرد را به سمت کج رفتاری سوق می‌دهد. در همین زمینه گود (۱۹۷۳) با یاری گرفتن از مفهوم آنومی و تعمیم آن به نهاد خانواده به‌عنوان مهم‌ترین آژانس اجتماعی‌کننده ساختار خانواده، سازمان و انگاره‌های آن را کلیدی برای شناخت شخصیت و رفتار افراد پرورش یافته در آن تلقی می‌کند و هرگونه نابسامانی و بی‌سازمانی در این نهاد و ساختار آن را در بروز توسعه و تکوین شخصیت بزهکار و کجرو مانند فرد سارق دخیل می‌داند. بنابراین با توجه به نتایج به‌دست آمده پیشنهاد می‌شود:

- با ساماندهی و تقویت کمی و کیفی ایستگاه‌های پلیس در محلات مختلف شهر همدان، به‌عنوان یک اولویت ویژه و برنامه اصلی، در دستور کار پلیس پیشگیری استان قرار گرفته و به موازات همین اقدام نیز با افزایش تعداد نگهبان محله در سطح شهر و برقراری نگهبان محلات می‌توان گاهی مؤثر در پیشگیری و کاهش سرقت‌های خرد برداشت و در صورت تأمین اعتبار و سازوکارهای لازم کارشناسی شده در این رابطه مثمر ثمر و موجب بهبود روند فعلی خواهد بود.
- تشکیل کمیته‌های هماهنگی به‌منظور هماهنگی کردن هر چه بیشتر واحدهای تخصص ناجا و برون‌سازمانی دخیل در فرایند پیشگیری از سرقت‌های خرد و اتخاذ تدابیر مناسب به‌منظور به‌کارگیری و استفاده رؤسای کلانتری‌ها از سیستم جامع و بانک‌های اطلاعاتی سازمان‌های در مناطق جرم‌خیز.
- با توجه به تحلیل‌های مربوط به بعد خانوادگی و هم‌نشینی پیشنهاد می‌شود، آگاه‌سازی خانواده‌ها و حساس نمودن آنان نسبت به کنترل فرزندان خود به‌ویژه در

خصوص معاشرت آنان با دوستان و هم‌سالان در مناطق جرم‌خیز، توجه بیشتر والدین به فرزندان و نیازهای مختلف اقتصادی، روحی و عاطفی آنان، مراقبت و توجه بیشتر والدین نسبت به فرزندان خود در خصوص اعتیاد به مواد مخدر و توجه بیشتر به خانواده‌های از هم گسیخته و تک سرپرست از سوی دولت و دستگاه‌های حمایتی از جمله بهزیستی، کمیته امداد و... مورد توجه بیشتر قرار گیرد.

- مساله اعتیاد پیوند ناگسستنی با سرقت‌های خرد در جامعه شهری دارد، به‌طوری‌که اکثریت سارقین خرد به مواد مخدر و روان‌گردان معتاد هستند. شاید بتوان گفت کاهش معضل اعتیاد و برخورد علمی و حساب شده با اعتیاد و معتادان می‌تواند در کاستن از نرخ سرقت‌های خرد مؤثر باشد. همچنین شناسایی معتادان و سپردن آنان به مراکز بازپروری می‌تواند از راه‌های مؤثر در این زمینه باشد.
- با توجه به این که اغلب سرقت‌های خرد در مکان‌های خاصی چون پارکینگ‌ها، مجتمع‌های ساختمانی در حال ساخت صورت می‌گیرد، با استفاده از روش‌های تبلیغی مناسب در جهت هدایت افکار عمومی به منظور حفظ و نگهداری از اموال خود و با بالابردن ضریب امنیتی این اماکن از طریق نصب دوربین و افزایش گشت‌های پلیس در مناطق آلوده به سرقت‌های خرد، می‌تواند از سرقت‌های خرد پیشگیری کرد. بنابراین با تدوین و اجرایی برنامه مختلف اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌های مختلف و افزایش آگاهی‌های عمومی در این خصوص و حساس کردن مردم نسبت به رعایت نکات ایمنی اقدامات لازم صورت پذیرد.
- یکی از مشکلات اصلی افرادی که اموال آنها به سرقت رفته، نداشتن آگاهی لازم در زمینه حفاظت از اموال خویش است. باید نیروی انتظامی گروه‌های هدف سارقین مانند پیمانکاران، صاحبان اصناف، رانندگان و ... را شناسایی کرده و با استفاده از کارآگاه‌های مجرب خود آموزش‌های لازم را در پیشگیری از سرقت-

های خرد و افزایش ضریب حفاظت از اموال به آنان دهد. همچنین نیروی انتظامی می‌تواند این‌گونه آموزش‌ها را در ادارات، مساجد، مدارس، مجتمع‌های آپارتمانی، عشایر و روستائیان و... برای گروه‌های مختلف در دستور کار قرار دهد. این‌گونه آموزش‌ها می‌توانند به‌صورت حضوری و یا از طریق شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، جزوه و بروشور، لوح فشرده نیز به‌عمل آید. در این زمینه صدا و سیما به کمک نیروی انتظامی این‌گونه آموزش‌ها را در برنامه‌های خود گنجانده و در ساعات مهم به صورت پیام یا تصویر به مخاطبان ارائه نماید. ارائه این پیام‌ها با زبان محلی و اجرای شیوه‌های عملی که حاوی آخرین شگردهای سارقین باشد، بسیار مفید است.

- از آنجا که عوامل محیطی باعث ایجاد انگیزه، کشش رغبت و قصد مجرمانه در فرد می‌شوند، برنامه‌ریزی و طراحی صحیح شهری، جهت پیشگیری از جرم، یکی از راه‌های حل‌های ضروری در امر پیشگیری از جرم است و موجب منفعل‌سازی کانون‌های جرم‌خیز می‌شود. رعایت این اصول می‌تواند احساس امنیت شهروندان را افزایش دهد و سبب افزایش رفاه عمومی در شهرها شود.
- برای نشان دادن قاطعیت نیروهای امنیتی پیشنهاد می‌شود نیروهای انتظامی به ویژه معاونت اجتماعی ناجا و استان‌ها به کمک رسانه ملی یا محلی، فیلم یا مستندهایی از دستگیری سارقین، شیوه‌های برخورد با افراد سارق و مجازات آنها تهیه اما در زمان مناسب و مخاطب‌پسند پخش کنند و به این وسیله قاطعیت پلیس را در اجرای وظایف خود به نمایش گذارند.

سپاسگزاری

بدین وسیله از همه عزیزانی که ما را در این پژوهش یاری کردند، به‌خصوص از دفتر تحقیقات کاربردی و آگاهی فرماندهی انتظامی استان همدان تشکر و قدردانی داریم.

منابع

۱. احمدی، حبیب. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی انحراف‌ها. انتشارات سمت.
۲. اصانلو، علی؛ بیات، ناصر؛ زیدی‌زاده، غلامرضا. (۱۳۹۹). چالش‌های تعاملی پلیس و شهرداری در پیشگیری اجتماعی از سرقت منزل، انتظام اجتماعی، ۱۲(۲)، ۱۷۳-۱۹۶.
http://sopra.jrl.police.ir/article_94364.html
۳. بنی اسد، زیبا؛ براتی مصلح، محمدسعید؛ عمرانی‌نژاد، فاطمه. (۱۳۹۴). بررسی علل افزایش سرقت به عنف (مطالعه موردی شهرستان بندرعباس). مطالعات امنیت اجتماعی، ۶(۴۱)، ۴۷-۸۲.
http://sss.jrl.police.ir/article_11942.html
۴. بوسار، اندرو. (۱۳۷۵). بزهکاری بین‌المللی. ترجمه نگار رخشانی، انتشارات گنج دانش
۵. بهرامی، مهدی. (۱۳۹۲). بررسی علل و عوامل اجتماعی مؤثر بر سرقت‌های خرد در شهرستان بندرعباس. دانش انتظامی هرمزگان، ۳(۶)، ۶۴-۹۶.
http://hormozgan.jrl.police.ir/article_13961.html
۶. بیات، بهرام. (۱۳۹۴). فراتحلیل آسیب‌های اجتماعی. معاونت اجتماعی ناجا.
۷. پور غلامی سرونדانی، محمدرضا؛ خرم‌رودی، اصغر؛ میرشکاران، یحیی؛ جواد، کیانی. (۱۳۹۶). تحلیل عوامل اجتماعی و جغرافیایی مؤثر بر پدیده سرقت در شهرستان بندرعباس، انتظام اجتماعی، ۱۰(۳)، ۱-۲۵.
http://sopra.jrl.police.ir/article_105659.html
۸. حسین‌پور، جعفر؛ اسفندانی، علی. (۱۳۹۶). نقش ایستگاه‌های پلیس در میزان پیشگیری از سرقت خودرو. انتظام اجتماعی، ۹(۳)، ۱۳۵-۱۶۶.
http://sopra.jrl.police.ir/article_78452.html
۹. حسینی‌نژاد؛ سیدمرتضی. (۱۳۸۷). بررسی علل اقتصادی جرم در ایران با استفاده از یک مدل تلفیقی: مورد سرقت. فصلنامه برنامه و بودجه، ۹۵، ۸۰-۳۵.
<https://jpbud.ir/article-1-196-fa.html&sw>
۱۰. حیدرنژاد، علیرضا؛ عامری، محمدعلی. (۱۳۹۹). بررسی عوامل انتظامی مؤثر بر سرقت‌های خرد در شهر مشهد و راهکارهای مبارزه با آن. فصلنامه دانش انتظامی، ۲۲(۱)، ۱۱۳-۱۴۱.
http://pok.jrl.police.ir/article_93691.html

۱۱. رحیمی دستجردی، محمد. (۱۳۹۳). نقش دین در پیشگیری از سرقت نوجوانان. فصلنامه دانش انتظامی قم، ۳۱(۳)، ۱۴۴-۱۶۶.

http://qom.jrl.police.ir/article_17084.html

۱۲. رضایی راد، مجید؛ هندیانی، عبدالله؛ ذاکر استقامتی، محمدرضا. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر کشف سرقت از منزل در فرماندهی انتظامی تهران بزرگ. مطالعات مدیریت انتظامی، ۴(۳)، ۳۶۳-۳۸۳.

http://pmsq.jrl.police.ir/article_92040.html

۱۳. ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۷۶). مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی. انتشارات آوای نور.

۱۴. سلیمی، علی؛ داوری، محمد. (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی کجروی. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۵. شجاعیان، علی؛ رحیم پور، نگار. (۱۳۹۹). تحلیل فضایی اثرسنجی شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی و جمعیتی بر جرائم سرقت شهر اهواز. پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۱۵(۵۸)، ۵۹-۸۸.

http://icra.jrl.police.ir/article_93175.html

۱۶. صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۹). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی). انتشارات سمت.

۱۷. صدیق، رحمت‌الله. (۱۳۷۰). آسیب‌شناسی اجتماعی. دانشگاه تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی.

۱۸. قربان حسینی، علی اصغر. (۱۳۷۱). جرم‌شناسی و جرم‌یابی سرقت. انتشارات جهاد دانشگاهی.

۱۹. کرمی، حمیدرضا؛ پورغلامی، محمدرضا؛ جهانگیر پور، علی. (۱۳۹۸). تحلیل فضایی تأثیر عوامل جمعیتی بر جرم سرقت. پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۱۴(۵۳)، ۱۵۳-۱۷۰.

http://icra.jrl.police.ir/article_20238.html

۲۰. کمربگی، خلیل؛ درویشی، فرزاد. (۱۳۹۸). سارقان خرد، ویژگی‌های فردی و اجتماعی آنها مورد مطالعه: استان ایلام. فصلنامه کارگاه، ۱۳(۴): ۶۹-.

http://det.jrl.police.ir/article_93846.html

۲۱. گود ویلیام، جی. (۱۳۵۲). خانواده و جامعه. ترجمه ویدا ناصحی. بنگاه نشر و ترجمه کتاب.

۲۲. محسنی تبریزی، علیرضا؛ پروین، ستار. (۱۳۸۸). بررسی عوامل موثر بر سرقت نوجوانان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۰(۳)، ۳۷-۵۲.

https://jas.ui.ac.ir/article_18188.html

۲۳. محمدی مقدم، یوسف؛ پورعزیزی، مسعود؛ طاهری، حسین. (۱۳۹۸). بازشناسی دلایل ارتکاب جرم سرقت از دیدگاه سارقان حرفه‌ای. پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۱۴(۵۳)، ۱۲۹-۱۵۲.

http://icra.jrl.police.ir/article_20161.html

۲۴. هزار جریبی، جعفر؛ صفری شالی، رضا. (۱۳۸۸). بررسی عوامل موثر بر ارتکاب جرم (مطالعه موردی زندانیان استان مرکزی). *علوم اجتماعی*، ۱۶(۴۶)، ۷۴-۴۱.

https://qjss.atu.ac.ir/article_5383.html

۲۵. هندیانی، عبدالله؛ دیانتی، عبدالله. (۱۳۹۲). نقش علوم جرم‌یابی در کشف قاچاق کالا. *فصلنامه کارآگاه*، ۶(۲۲)، ۳۹-۶۷.

http://det.jrl.police.ir/article_10457.html

26. Allee, V. (2019). *The knowledge evolution, expanding organization*. Boston: Buttler worth-Heinemann.

27. Anderson, A. L. (2002). Individual and Contextual Influences on Delinquency: The Role of the Single Parent Family. *Journal of Criminal Justice*, 30(3), 575-587. [https://doi.org/10.1016/S0047-2352\(02\)00191-5](https://doi.org/10.1016/S0047-2352(02)00191-5)

28. Bajaria, H. (2019). Knowledge creation and management: inseparable twins. *Total Quality Management*. 11(4): 502-573. <https://doi.org/10.1080/09544120050007896>

29. Hoffman, J. P. (2003). A Contextual Analysis of Differential Association, Social Control, and Strain Theories of Delinquency. *Social forces*, 81 (3), 735-758. <https://www.jstor.org/stable/3598175>

30. Juby, H., & Farrington, D. P. (2001). Disentangling the link between disrupted families and delinquency: Sociodemography, ethnicity and risk behaviours. *British Journal of Criminology*, 41(1), 22-40. <https://www.jstor.org/stable/23638892>

31. Leburaya, I. W. (2021). The Role of Community Police Officer (Bhabinkamtibmas) in Preventing Crime of Motor

- Vehicle Theft at the Purwakarta City Police. *Advances in Police Science Research Journal*, 4(12).42-67.
<http://journal.akademikepolisian.com/index.php/apsrj/article/view/471>
32. Litchfield, Alleh W.; Darwin, Thomas, L. & Doali, Bing. (1997). Dimensions of Religiosity as Mediators of the Relations between Parenting and Adolescent Deviant Behavior. *Journal of Adolescent Research*, 12(3):1-15.
<https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0743554897122004>
33. Munagekar, M. (2021). Trespassing and theft detection using AI/deep learning techniques. [Master's thesis, California State University].
34. Salmi, Venla; Kivivuori, Janne (2006). The Association between Social Capital and Juvenile Crime. *European Society of Criminology*, 3 (2): 123-148.
<https://doi.org/10.1177%2F1477370806061967>
35. Siegel. L.J(2003). *Criminology*», Wadsworth. A Division of Thomson learning Inc.
36. Sigel, L. & Sena ,J. (2003). *Young Delinquents*», Translated by Ali Akbar Taj Mazinani and Faramarz Kakouli Dezfouli. Tehran: Youngsters' National Organization Publications.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی